

ملاحم یا فتنه ها

خطبه ۲۲۹

فساد اموال

وقتی که اموال مردم مخلوط و مشوب با ربا شود و حلال و حرام از هم تشخیص داده نشود و بازار، ربوی شود و غارت ها و مصادره های بیجا صورت پذیرد، آن گاه است که انسان متعهد و مؤمن برای بدست آوردن یک درهم مال حلال آن قدر به زحمت می افتد که تحمل ضربت شمشیر برایش آسانتر از آن می شود زیرا پیدا کردن مال حلال که مخلوط با ربا و دیگر اموال حرام نباشد در چنان موقعیتی بسیار سخت و دشوار است.

در روایتی از حضرت رسول صلی الله علیه وآله نقل شده است که فرمود: «بأثني على الناس زماناً لا يبقى أحدٌ الا أكل الربا، فإن لم يأكله أصابه من غباره»^۱ - زمانی بر مردم فرا می رسد که هیچ کس نمی ماند جز اینکه ربا بخورد و اگر نخواهد ربا بخورد، گرد و خاک آن به او می رسد. زیرا در صورتی که اموال مشوب به حرام و ربا باشد و معاملات بازار به صورت ربوی رد و بدل شد، همین پولهای حرام بدست مؤمن و فاسق می رسد و رد و بدل می گردد و شاید پول و جوهاتی هم که نزد مجتهد بیاورند، مخلوط با این پول باشد. امام رضا علیه السلام در ضمن روایتی می فرماید: اگر انسان درهمی را با دو درهم خرید و فروش کرد، قیمت یک درهم فقط یک درهم است و درهم دیگر ربا و باطل است، پس فروش و خرید

موضوع بحث، خطبه ۱۸۷ نهج البلاغه با شرح و تفسیر مرحوم محمدعبده یا ۲۲۹ با شرح مرحوم فیض الاسلام بود که حضرت امیر علیه السلام در این خطبه راجع به ملاحم و فتنه های آینده، به امت مسلمان هشدار می دهند.

در بحث گذشته، مطالب حضرت به اینجا منتهی شد که مردم را هشدار می دهند نسبت به اینسکه که پهلوان و بی شخصیت ها، زمام امور حکومت را بدست گیرند و در نتیجه بزرگ ها و افراد کاردان از صحنه کنار زده می شوند و کار بجائی می رسد که افراد بی شخصیتی همچون ولید و یزید، به ائمه خلافت اسلامی بر مسلمانان مسلط می شوند؛ همان ولیدی که می گفت: یک شیشه و دو شیشه شراب برای من کافی نیست، باید حوضی از شراب درست کنند تا در آن شنا کنم و از مشروب سیراب گردم!! در ادامه خطبه حضرت می فرمایند:

«ذاك حيث تكون ضربة السيف على المؤمن أهون من الدرهم من حله»

در آن هنگام، تحمل ضربت شمشیر برای مؤمن آسانتر است از بدست آوردن یک درهم مال حلال.

سای آینده

بیت الله العظمی منتظری

... ذَاكَ حَيْثُ تَكُونُ حَضْرَةُ
التَّائِبِ عَلَى الْمُؤْمِنِ أَمُونَ مِنَ الذِّمِّ مِنْ جِلْدِهِ ، ذَاكَ حَيْثُ يَكُونُ
الْمُعْطَى أَكْثَرَ مِنَ الْمُعْطِي ، ذَاكَ حَيْثُ تَكُونُ مِنْ غَيْرِ
شَرَابٍ ، بَلْ مِنَ النَّعْمَةِ وَالنَّعِيمِ ، وَتَخْلِفُونَ مِنْ غَيْرِ أَشْطَرِارٍ
وَتَكُونُ مِنْ غَيْرِ أَجْرٍ ،

نکرده و از این رو مورد نکوهش قرار می گیرد، ولی در بازار هم نرفته که معاملات ربوی را انجام دهد و یا از بیست المال اختلاس نکرده و یا از کسی رشوه نگرفته است، بلکه مختصر پولی که به او کمک شده برای مصرف خانواده اش می خواهد برساند، لذا آن دست دهنده اجر و مزدش کمتر است از این دست گیرنده. وانگهی نه تنها پول پول دهنده از حرام بوده بلکه معمولاً کسانی که یک عمر با حرام سروکار داشته اند کمتر خلوص و قصد قربت در اعمالشان پیدا می شود و بسا اتفاقان نیز مشوب به ریا از طرفی و به ریا از طرفی دیگر باشد و یا اینکه اغراضی سیاسی در انفاق اموال خصوصاً برای ساختن مساجد و مراکز مذهبی داشته باشند. در هر صورت، گرچه طبق آیات و روایات، انفاق کنندگان دارای اجر و مزد عظیمی نزد خداوند می باشند و همواره در روایتها آمده است: «اليد العليا خير من اليد السفلى» - دست بالا بهتر از دست پائین است، یعنی دهنده برتر از گیرنده است و همیشه انسان باید سعی کند که خداوند به او بدهد تا در راه خدا بر دیگران انفاق کند، با این حال اگر بنا شود آن دست بالا از راه حرام کسب نماید و در انفاقش خلوص نداشته باشد بلکه ریا و هزاران مصلحت سیاسی و اجتماعی را در انفاق و بذل و بخشش، ملاحظه کند، بدون شک این بالا دیگر خیر نیست و برخلاف طبع، دست پائین از دست بالا بهتر می شود.

پول ربوی بهر حال برای مشتری و فروشنده زیانبار است، و از این روی خداوند تبارک و تعالی ریا را بر مردم حرام نمود تا از فساد اموال جلوگیری نماید.^۲

در هر صورت ربانی که آنقدر در قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام از آن مذمت و نکوهش شده تا آنجا که خداوند می فرماید: «... فَأَذْنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ»^۳، اگر علنی شود و بازار روی آن بگردد و بانکهها معاملات ربوی کنند، در آن هنگام اگر یک انسان مؤمن و متعهدی بخواهد مال حلال پیدا کند، بقول حضرت امیر علیه السلام، پیدا کردن یک درهم مال حلال برای او دشوارتر است از تحمل ضربت شمشیر. **«ذَاكَ حَيْثُ يَكُونُ الْمُعْطَى أَكْثَرَ مِنَ الْمُعْطِي»**

در آن هنگام، پاداش کمک شونده زیاده تر است از پاداش کمک کننده.

کمک شونده به از کمک دهنده

این فتنه ها در وقتی است که مزد و اجر آن فقیر و بیچاره ای که به او کمک می شود، بالاتر و زیادتر است از مزد و اجر کسی که به او پول می دهد و احسان می نماید چرا که نوعاً پول از راه حرام بدست می آید ولی آن فقیر و بیچاره، گرچه کار

«ذاك حيث تسكرون من غير شراب، بل من النعمة

والنعيم»

آنگاه است که مست می شوید نه از می بلکه از فزونی نعمت و خوشگذرانی.

مستی بدون شراب

در آن زمان است که مست می شوید ولی نه از زدن لب به شراب، که از فرط نعمت و مکننت و قدرت؛ اینجا دیگر مستی مشروب نیست بلکه مستی قدرت و ثروت است که این مستی زیانتش چه بسا بیشتر از مستی شراب باشد.

در قرآن می فرماید: «ان الانسان لبطغی ان راه استغنی»^۱ - همانا انسان طغیان می کند هنگامی که خود را بی نیاز می بیند.

آری! این منش و خوی انسان است که وقتی دید ثروت مند شده و مکننت و قدرتی پیدا کرده، طغیان می کند و مست می شود ولی انسان مؤمن و معتقد هرگز خود را ثروتمند و بی نیاز نمی بیند چرا که معتقد است هر چه دارد از خدا است و اگر دارای پول و مکننتی شود، آنها را تفقّل الهی می بیند ولی انسانی که ایمان ندارد یا دارای ایمانی ضعیف است چه بسا در اثر رسیدن به ثروت و یا قدرت، جامعه ای را به فساد و تباهی بکشد.

آیا مستی صدام ضررش بیشتر است یا مستی یک گنهکاری که مشروب خورده و در اثر مست شدن شاید به یک یا دو نفر ضرر و زیانی وارد آورد ولی این مستی که صدام را واداشت تا بعد از محمدرضای معدوم، هوس زاندارمی منطقه را در سر بپرواند، و دنبال این مستی چه جنایت‌هایی که مرتکب شد و چقدر انسان‌های بی‌گناه را از عراق و ایران بکشتن داد و هزاران معلول و مجروح برجای گذاشت و چقدر شهرها و خانه‌ها را ویران ساخت و هنوز هم از این شہوت قدرت دست بردار نیست، این مستی بی‌گمان هزاران بار بدتر و زیان‌بارتر از مستی مشروب خواری است.

در یکی از بولتن‌های خبری خواندم: صدام خطاب به مردم امریکا و اروپا می‌کند و می‌گوید: مردم اروپا و امریکا نمی‌دانند من چقدر به آنها خدمت کرده‌ام. اگر چنانچه من به ایران

حمله نکرده بودم، (امام) خمینی یک حکومت اسلامی گسترده‌ای را تاسیس کرده بود که تمام خاورمیانه را دربر گیرد و دیگر چیزی از منافع خاورمیانه به جیب آمریکا و اروپا سرازیر نمی‌شد!!

در هر صورت، حضرت می‌فرماید: در آن موقع که آن فتنه‌ها پیدا می‌شود، چون کارهایتان روی عقل و منطق نیست بلکه روی هوای نفس است لذا در اثر نعمتها و خوشگذرانی‌ها، مست می‌شوید و خود را فراموش می‌کنید. نعيم: همان نعمت و ثروت است.

برخی نعمت را به فتح خوانده‌اند که در آن صورت به معنای خوشی و خوشگذرانی است. و در هر صورت از فزونی مال بدست می‌آید.

از این جمله حضرت نیز استفاده می‌شود که گاهی زیادی نعمت؛ بجای اینکه برای انسان سودمند باشد، زیانبار خواهد بود زیرا ممکن است طغیان کند و خود را فراموش نماید و در نتیجه بجای خدمت به دیگران و انفاق در راه خیر، پولهایش را در راه فساد و تباهی خود و جامعه مصرف نماید. و از این رو در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که خطاب به مسلمین می‌فرماید:

«والله ما الفقر أخصی علیکم ولکنی أخصی علیکم أن یسط الدنيا علیکم كما بسطت علی من قبلکم ونا فسوها كما تنا فسوهم و نهلكکم كما أهلكهم» - به خدا قسم من از فقر و ناداری بر شما نمی‌ترسم بلکه می‌ترسم دنیا بر شما مانند گذشتگان بسط پیدا کند و همانگونه که دیگران بر سر آن تقاضای می‌کردند، شما نیز به نزاع و ستیز با هم برخیزید و همانگونه که ثروت و قدرت، گذشتگان را هلاک کرد شما را نیز هلاک کند.

«اللینة فقر و ناداری خوب نیست و بسا انسان را بکفر وادارد» «آکاد الفقر أن یكون کفراً» ولی در مقایسه بین فقر و ثروت، حضرت رسول «ص» آفت ثروت و مکننت زیاد را بیشتر از ناداری و بیچارگی می‌داند زیرا انسان فقیر ممکن است گاهی هم در اثر ناداری به خدا توجه کند و از خدا استمداد نماید ولی کسی که خود را پولدار و بی‌نیاز می‌بیند، امکان دارد، طغیان نماید و خدا را هم فراموش کند، غافل از اینکه هر چه دارد از خدا است و اگر مشیت الهی اقتضا کند در یک چشم بهم زدن تمام اموال او از بین می‌رود و تهیدست و بدبخت می‌گردد.

«وتحلفون من غير اضطرار»

و بدون اینکه احساس ضرورت کنید، قسم می خورید.

بیهوده قسم خوردن

در صدر اسلام قسم به خدا خیلی اهمیت داشت و لذا در مراسمات، هرگاه مدعی نمی توانست دو شاهد و بیته برای اثبات مدعایش حاضر کند، در محضر قاضی، به خدا قسم می خورد و برای این سوگند ارزش زیادی قائل بودند و ممکن نبود برای کارهای جزئی و پیش پا افتاده کسی قسم بخورد مگر آنها که دارای ایمانی ضعیف بودند و اما در این دوران فتنه ای که در آینده خواهد آمد و حضرت امیر «ع» از آن خبر می دهد، حضرت به آنها می فهماند که بقدری وقار و ارزش قسم در نظر شما کوچک می شود که بدون اینکه ضرورتی ایجاد کند، برای یک کار جزئی قسم می خورید. مانند بسیاری از بازاری ها و فروشندگان زمان ما که برای فروختن کالاهای خود، قسم می خورند و چه بسا به دروغ هم قسم بخورند که گناه آن صد چندان بیشتر است. و بی گمان آنان که تند تند قسم می خورند، عظمت خدا را نادیده می گیرند و لذا جداً مردم باید از قسم خوردن مگر در مواقع ضروری که جان و مال و ناموس مؤمنی در معرض خطر است، پرهیز کنند.

«ونكذبون من غير احراج»

و بی پروا دروغ می گویند.

بی پروا دروغ گفتن

یکی دیگر از علامتهای شما مردم در آن دوران فتنه و آشوب این است که بدون هیچ ضرورتی دروغ می گویند، بی آنکه مصلحتی در کار باشد یا گرفتاری و شدتی گریبان شما را گرفته باشد و یا جان و مال مؤمنی در خطر باشد.

در اینجا ذکر این نکته لازم است که باید در تمام مواقع از گفتن دروغ و خلاف واقع خودداری کرد. گاهی دیده شده است بعضی از افراد که به ظاهر انسانهای متعهد و متدینی می باشند، با در نظر گرفتن برخی از مسائل سیاسی دروغ می گویند. گویا خیال کرده اند معنای سیاست دروغ و مکر و فریب است و حق

هم دارند! زیرا دیده اند در اروپا و آمریکا هرکس بیشتر دروغ بگوید و لاف بزند، سیاست تر معرفی می شود لذا برای تبیین از آنها به دروغ و فریبکاری می پردازند!

آن روزها می گفتند: فرق بین سیاست و قالی این است که در سیاست اول می نشینند، بعد می بافند ولی قالی را اول می بافند بعد روی آن می نشینند! ولی از ما که متعهد و مسلمانیم روا نیست و هرگز پذیرفته نیست چنین سیاستی را دنبال کنیم چه این سیاست نیست که دروغ و فریب و خدعه است.

سیاستمداران اسلام کسانی هستند که شئون مسلمین را بر صراط حق و حقیقت و با صداقت و راستی، اداره می کنند.

خیال نکنید که چون امروز محور سیاست شده اید، پس باید دروغ بگویند!! دروغ در جانی پذیرفته است که حرج و مشقتی در کار باشد و اگر انسان دروغ نگوید، نمی تواند خود را یا جامعه را نجات دهد که در این مورد ضرورت دارد ولی کوشش کنید که موارد این دروغ مصلحت آمیز را که به از راست فتنه انگیز است، درست دریابید، نه اینکه دروغی بگویند برای اینکه سخن خود را به کرسی بنشانید و لوح حق دیگران پایمال شود و آن را دروغ مصلحت آمیز بدانید!! در هر صورت انسان متعهد نباید زبانش آلوده به حرفهای دروغ باشد که دروغ از هر گناهی زشت تر و قبیح تر است.

من غیر احراج: بی آنکه کسی شما را به حرج انداخته باشد. «من غیر احواج» نیز نقل شده است که در اینجا «احواج» از ماده احتیاج است یعنی بی آنکه حاجتی یا ضرورتی در آن دروغ باشد.

ادامه دارد

۱- مستدرک وسائل - ج ۲ - ص ۴۷۸

۲- بحار الانوار - ج ۱۰۳ - ص ۱۱۹

عن الامام الرضا عليه السلام انه قال: «... ألما نهى الله عز وجل عنه لما فيه من فساد الاموال لأن الانسان اذا اشترى الدرهم بالدرهمين كان ثمن الدرهم درهماً وثمن الآخر باطلاً، فبيع الربا وشرأه وكس على كل حال على المشتري وعلى البائع، فحظر الله تبارك وتعالى على العباد الربا لعلة فساد الأموال».

۳- سوره بقره - آیه ۲۷۹

۴- سوره علق - آیه ۶